# جامعه اسلامی کارگران، خانه کارگر و جنبش سندیکایی

# سه بدیل جناح‌های نظام اسلامی سرمایه هستند

**جامعه اسلامی کار و خانه کارگر، بدیل جناح‌های راست و میانه نظام اسلامی**

عروج احمدی‌نژاد به سکوی ریاست جمهوری، توازن قوای سابق میان جناح‌های حکومت اسلامی را درهم ریخت. دولت احمدی‌نژاد می‌کوشد تا اهرم‌های بجای مانده در دست جناح‌های قدرتمند سابق را یکی پس از دیگری تصرف کند. افزون بر آن، این دولت می‌خواهد تغییراتی در قانون کار فعلی صورت دهد. خبرگزاری مهر در تاریخ نهم آذر در مطلبی تحت عنوان «قانون کار اصلاح می‌شود» به برنامه‌های دولت جدید برای «توسعه اقتصادی و رفاه» پرداخت. همچنین روزنامه دنیای اقتصاد، به تاریخ شانزده آذرماه، به نقل از مسئولان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی اعلام کرد:

*«سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی طی گزارشی دوازده سیاست دولت را برای تنظیم بازار کار در چارچوب برنامه چهارم توسعه اعلام کرد. اصلاح قوانین و مقررات ناظر بر بازار کار جزء اولین سیاست‌های دولت برای تنظیم بازار کار است.»*

جهرمی، وزیر کار دولت احمدی‌نژاد، با آگاهی بر اقدامات خانه کارگر، در سوارشدن بر موج اعتراض کارگران قراردادی اعلام کرد که: «ما ... عزم جدی داریم که مشکل کارگران قرارداد موقت را حل کنیم.»
در ادامه این تنش‌ها، افشای یک مورد از دستبردهای قانونی خانه کارگر بر دسترنج کارگران، موجب بروز بحران جدی در صف نهادهای خانه کارگر شد. خبرگزاری مهر، در اوایل آذرماه امسال، در گزارشی علیه خانه کارگر نوشت که:

*«خانه کارگر در طول بیست‌وپنج سال گذشته با حاکمیت در وزارت کار و برخی اتحادیه‌های کارگری توانسته به رانت‌خواری از بودجه‌های کارگری بپردازد، پیش‌ازاین وزارت کار توزیع بن‌های کارگری را به خانه کارگر سپرده بود و این حزب سیاسی در ازای این کار، ده درصد بهای بن‌های کارگری را به میزان چهار میلیارد و شش‌صد تومان به‌صورت سالانه از وزارت کار دریافت می‌کرد.»*

خبرگزاری مهر، به نقل از «یک منبع آگاه کارگری» موارد دیگری از چپاول مالی خانه کارگر و به‌کارگیری آن برای پیشبرد مقاصد سیاسی‌اش را افشا نموده و نوشت که:

*«اکنون‌که دولت جدید مستقرشده، حاکمیت بیست‌وپنج‌ساله خانه کارگر بر وزارت کار خاتمه یافته، اما این حزب سیاسی برای تداوم رانت‌خواری خود، بنا ندارد دست از اتحادیه‌های کارگری بکشد و بر همین اساس است که در انتخابات اخیر شوراهای عالی کار سراسر کشور دست به تخلفات متعددی زد. به همین جهت در انتخابات مذکور که بر اساس قانون کار بایستی با حضور ناظر قانونی نمایندگان وزارت کار برگزار شود، بدون اطلاع و حضور این ناظر در اواخر ماه گذشته، بیست‌وپنج آبان سال ۸۴ برگزار شد. اتحادیه اسکان که تحت سیطره خانه کارگر قرار دارد، برای جلب آرای برخی کانون‌های استانی، مبلغ بیست میلیون ریال به برخی کانون‌ها در روزهای منتهی به انتخابات شوراهای عالی کار کمک مالی نمود.»*

در پی این افشاگری جناح راست، علیه «فعالیت‌های حزب سیاسی» خانه کارگر، موجی از اعتراض، در میان شوراهای اسلامی کار استان تهران شکل گرفت. کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران، با صدور اطلاعیه‌ای انتخابات شوراهای اسلامی کار را غیرقانونی خواند و اقدامات خانه کارگر را به دلیل «پایمال شدن حقوق کارگران به دلیل گرایشات سیاسی، موردحمله قرار داد.
خانه کارگر با دست زدن به قدرت‌نمایی و توان بسیج «اعتراضات کارگری» و به راه انداختن تعدادی حرکت فرمایشی در صنایع کوشید به تعرض جناح احمدی‌نژاد پاسخ دهد. ایلنا نیز در بیست‌وهفت آذرماه به کارگران یادآور شد که «تشکیلات کارگری روزهای دشواری را پیش رو دارد که تنها با اتکا بر نیروی عظیم کارگری» می‌تواند از عهده آن برآید.

در چنین شرایطی است که جدال وزارت کار و خانه کارگر، به یک بحران تمام‌عیار نهادهای کارگری سابق تبدیل‌شده است. بدیل جناح راست، سازمان دادن نهادی‌های صنفی کارگری برای از میدان بدر کردن تشکیلات کارگری وابسته به باند رفسنجانی است.
تأکید بر لزوم جدایی «اتحادیه کارگری» از حزب سیاسی، اهرم دوسری شده است که خانه کارگر را نه به‌عنوان «تشکل کارگری، بلکه به‌عنوان تشکل سیاسی» هر سو تحت‌فشار قرار داده است. حتی وزیر کار سابق، سرحدی‌زاده نیز، با ایجاد حزب کار خود، می‌کوشد تا «تشکل‌های کارگری مستقل» را زیرپوشش حزب خود قرار دهد. افزون بر آن، بخش قابل‌توجهی از «فعالین کارگری» هوادار احزاب چپ سابق ایران نیز از همین زاویه، یعنی سیاسی بودن خانه کارگر، آن را تحت حمله قرار داده‌اند. نکته اصلی این است که نهادهای کارگری سرمایه‌داری جهانی، سازمان جهانی کار و اتحادیه‌های دولتی اروپا، سرمایه‌گذاری وسیعی برای ایجاد تشکل‌های مستقل صنفی کرده‌اند. صندوق بین‌المللی پول نیز از پروژه ایجاد تشکل‌های صنفی غیردولتی، حمایت می‌کند. به دیده کارشناسان سرمایه‌داری، سازمان‌دهی کارگران در اتحادیه‌های صنفی که به‌ناچار تحت رهبری احزاب سرمایه قرار می‌گیرند، مؤثرترین ابزار در کنترل مبارزه طبقاتی و پیشگیری از انقلابات قهرآمیز است.

**جنبش سندیکایی و تشکل مستقل کارگری، بدیل اصلاح‌طلبان و جناح چپ سرمایه**

با شکست انتخاباتی اصلاح‌طلبان حکومتی، جنبش اصلاحات نظام اسلامی، دستخوش تشتت سیاسی چشمگیری شد. بخش قابل‌توجهی از اصلاح‌طلبان، این حقیقت را دریافتند که با فرستادن «آخوندهای رادیکال» به جلو صحنه، نمی‌توان سخن از اصلاحات نظام اسلامی راند. بدیده اینان، خاتمی، «بزرگ‌ترین فرصت تاریخی» برای اصلاح نظام اسلامی را به باد داد. درس‌هایی که اینان از شکست جبهه دوم خرداد گرفته‌اند دریک شعار خلاصه گشته است: «عبور از خاتمی».
عبور از خاتمی، یعنی پشت سر گذاشتن، تاکتیک فشار از پایین توسط جنبش دانشجویی و چانه‌زنی در بالا. عبور از خاتمی یعنی، تعیین تاکتیک و استراتژی درازمدت برای ایجاد یک تحزب پایدار، میان جناح‌های بورژوازی ایران.
عبور از خاتمی یعنی تلاش جهت نهادینه ساختن جنبش اصلاحات و مبدل کار کردن طبقه کارگر به پایگاه اجتماعی آن.
و سرانجام عبور از خاتمی یعنی رویکرد، اصلاح‌طلبان رادیکال، به طبقات اصلی جامعه برای سازمان دادن آنان.
در چنین شرایطی، کانون‌های سابق بحران جناح‌ها، یعنی مساجد و دانشگاه‌ها، به مراکز صنعت و کار رانده می‌شود. این واقعه در شرایطی به وقوع می‌پیوندد که، جنبش کارگری به دلیل یک دهه عقب‌نشینی و تحمل فلاکت بی‌سابقه، فاقد صف مستقل برای ابراز وجود سیاسی اجتماعی است.
جنبش سندیکایی کنونی، حاصل یک دهه تلاش اصلاح‌طلبان برای به‌کارگیری تجارب طبقه سرمایه‌دار جهت کنترل مبارزات کارگری می‌باشد. فعالین سندیکایی جنبش کنونی، در بهترین حالت، پیشتازان، دمکراسی خواهی اصلاح‌طلبان «رادیکال» در میان طبقه کارگر هستند. احزاب اصلاح‌طلب و چپ می‌کوشند تا بر این حقیقت پرده افکنند. همه اینان بر این حقیقت واقف‌اند که ظهور قارچ گونه «کمیته‌ها» و «سندیکاهای کارگری»، طی دو سال گذشته، نه محصول پیشروی و سازمان‌یابی اعتراضات کارگری، بلکه بازتاب شکست و تشتت در صف اصلاح‌طلبان و سرانجام محصول تنش جناح‌ها در بالا بوده است.
فعالین سندیکایی کنونی، فعالین یک جنبش سیاسی معین، علیه طبقه کارگر هستند. جنبش سیاسی که هدف آن تبدیل کردن اعتراضات طبقه کارگر به ابزاری برای ایجاد اصلاحات در نظام جمهوری اسلامی می‌باشد. شکی نیست که به‌محض اعتلای مبارز طبقاتی و با ابراز وجود اولین اعتراضات مستقل طبقاتی، سندیکاهای «مبارز» کنونی، در نقش پلیس کارگری به سرکوب این اعتراضات خواهند پرداخت. این جنبش که حمایت سازمان‌های کارگری سرمایه‌داری جهانی و احزاب چپ سرمایه را به دنبال دارد، حتی همین امروز نیز تمام کوشش خود را برای کنترل اعتراضات کارگری در چارچوب «نظم سندیکایی» و «عدم خشونت» بکار می‌گیرد.
احزاب جناح چپ سرمایه نیز با تمام قوا در حال اثبات شایستگی خود برای حضور در سیستم سیاسی نظام موجود هستند. اینان تمام توان خود را جهت همراه شدن با کارناوال «تشکل‌های مستقل کارگری» بکار گرفته‌اند. کمونیست‌های قلابی، یعنی مدافعان سابق خمینی‌ها و خلخالی‌ها، می‌کوشند تا جای پایی در جنگ قدرت جناح‌ها برای خود بیابند. اینان همان‌قدر مدافع کارگر هستند که خانه کارگر و جبهه مشارکت مدافع کارگران هستند.

**به‌سوی بدیل طبقاتی کارگران، محافل مخفی کارگری و هیئت‌های نمایندگان**

کارگران! کمونیست‌های انترناسیونالیست شما را فرامی‌خوانند تا اعتراضات کارگری را به زیر مواضع و شعارهای این سنت انقلابی سازمان دهید.

جنبش سندیکایی فعلی، جنبشی است که توسط جناح‌های سرمایه‌داران سازمان داده‌شده است. در مقابل آلترناتیو اصلاح‌طلبان حکومتی، یعنی سندیکاها، آلترناتیو واقعی خودتان، هیئت نمایندگان مستقل، را قرار دهید.

شما خود می‌بینید که چگونه حتی سرکوبگران خانه کارگر نیز می‌کوشند از مضحکه «جنبش صنفی» عقب نمانند. شما خود دیده یا شنیده‌اید که چگونه مأموران اعزامی خانه کارگر، به کارخانجات و صنایع رفته و از کارگران می‌خواهد تا برای «یک اعتراض دوساعته در مقابل انتظامات» تجمع کنند. شما خود می‌بینید که چگونه، تصاویر چنین تجمعات فرمایشی، در صفحه اول مطبوعات مزدبگیر، به‌عنوان اعتراضات مستقل صنفی، نقش می‌بندد. همه جناح‌های سرمایه، بر غیر طبقاتی بودن حرکات گروه‌های متعدد کارگری، سرمایه‌گذاری کرده‌اند. وحشت اینان از مبارزه کارگران به‌مثابه یک طبقه است. وحشت اینان از مبارزه مستقل طبقاتی است. مبارزه‌ای که به‌ناچار مبارزه‌ای علیه کلیت جناح‌ها و احزابشان است. آنان که شما را فرامی‌خوانند تا، «تشکلات صنوف» بسازید، هدفشان قرار دادن گروه‌های پراکنده کارگری در مقابل کلیت طبقه کارگر و حرکت طبقاتی شما است. پیشروان واقعی چنین تشکل‌های «صنفی» سیاست‌بازان نظام بردگی مزدی هستند. اینان نیک می‌دانند که هر حرکت به‌واقع مستقل کارگری به اعتراض طبقاتی، یعنی اعتراض طبقه کارگر به طبقه حاکم و نهادهای سیاسی آن بدل می‌شود. هدف سندیکاهای اینان نیز ممانعت از همین اعتراض مستقل طبقاتی است.

تنها و تنها به نیروی خود تکیه کرده و هیچ دفترودستکی را به رسمیت نشناسید. مبارزات خود را با تکیه‌بر نیروی خود سازمان داده و خواست‌هایتان را از طریق انتخاب هیئت نمایندگان در تجمع کارگری پیش برید. پیشروی مبارزه مستقل شما به گسترش اعتراضات مستقل کارگری و سرانجام به تشکیل کمیته‌های اعتصاب و شوراهای کارگری منتهی خواهد شد. تنها تبدیل مبارزات پراکنده به مبارزه‌ای منسجم و طبقاتی است که می‌تواند نقطه پایانی بر حیات ننگین نظام اسلامی و جناح‌های آن نهد.

کارگران مبارز! انتخاب نمایندگان قابل عزل توسط گردهمایی عمومی، متناسب با شرایط جامعه، مؤثرترین سلاح شما علیه ترفندهای جناح‌های طبقه حاکم است. باندهای کارگری وابسته به جناح‌های نظام اسلامی، به‌ویژه اصلاح‌طلبان، را به حال خود رها کنید تا به جان یکدیگر بیافتند. تاکتیک اصلاح‌طلبان، راه انداختن بحث‌های فریبنده، برای کشاندن شما به‌سوی دام‌چاله، فعالیت علنی و قانونی، تحت وحشی‌ترین حکومت سرمایه است. با ایجاد محافل مخفی کارگری برای سازمان دادن هیئت‌های منتخب کارگری، تعرض جناح‌های سرمایه، علیه جنبش کارگری را عقب برانید.

**تشکیلات کارگران انترناسیونالیست**

**مبارزهٔ طبقاتی، شمارهٔ ۱۳، دی ۱۳۸۴**